

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ہمہ سوال نامہ

دکترای تخصصی (Ph.D)

فلسفہ و کلام اسلامی

(جلد ۵)

۱۴۰۴

تالیف و تدوین

حسین کفاشیان بیلندی

## فهرست مطالب

۵	پیش گفتار.....
	آزمون دکترای فلسفه و کلام اسلامی ۱۴۰۴
۹	فلسفه.....
۱۱	پاسخ نامه فلسفه.....
۴۵	کلام اسلامی.....
۴۷	پاسخ نامه کلام اسلامی.....

## پیشگفتار

حلقه‌ی ششم از زنجیره‌ی دانایی؛ درنگی بر آزمون دکتری ۱۴۰۴

### «هوالحکیم»

پویندگان راه حکمت و سالکان طریق معرفت؛

آزمون دکتری تخصصی (Ph.D) در رشته «فلسفه و کلام اسلامی»، تنها یک رقابت علمی برای تصاحب صندلی‌های دانشگاهی نیست؛ بلکه آوردگاهی است که در آن، عیار «اندیشه» و عمق «استدلال» سنجیده می‌شود. داوطلب این وادی، نه تنها باید بر متون کهن مسلط باشد، بلکه باید توانایی «بازخوانی میراث» در مواجهه با پرسش‌های نوین را نیز در خود پرورده باشد.

مجموعه‌ای که پیش روی شماست، **جلد ششم** از دانشنامه‌ی جامع سوالات دکتری است که به همت «انتشارات پردازش» و با دقتی کم‌نظیر تدوین گردیده است. این مجلد، تکمیل‌کننده مسیری است که از سال ۱۳۷۹ آغاز شده و اکنون با بررسی و تحلیل آزمون سال ۱۴۰۴، تصویری تمام‌نما از ربع قرن (۲۵ سال) سنجش علمی در ایران را پیش چشم پژوهشگران می‌گشاید.

### چرا جلد ششم متفاوت است؟

آزمون سال ۱۴۰۴ را می‌توان «نقطه عطف» و «گذار به دوران جدید» نامید. تحلیل محتوایی سوالات این دوره نشان می‌دهد که طراحان سوال، بیش از هر زمان دیگری از سطح عبور کرده و به ژرفای مباحث «حکمت متعالیه» و «کلام تحلیلی» نفوذ کرده‌اند. اگر مجلدات پیشین (جلدهای اول تا پنجم) روایتگر دوران توازن میان مکاتب گوناگون بودند، جلد ششم روایتگر «عصر تخصص‌گرایی» و تمرکز بر دقایق نفس‌گیر «اسفار» و «منطق برهان» است.

### ویژگی‌های انحصاری این دفتر

برای آنکه این اثر، تنها یک «مجموعه سوال» نباشد و به یک «درس‌نامه‌ی تحلیلی» بدل گردد، سه ابزار راهبردی به این مجلد افزوده شده است:

۱. **جدول تحلیل فراوانی:** نقشه‌ای آماری که به شما نشان می‌دهد گرانیگاه آزمون کجاست و کدام مباحث (از جمله نفس و معاد) قلب تپنده‌ی آزمون ۱۴۰۴ بوده‌اند.
۲. **نمایه‌ی موضوعی و شخصیت‌ها:** فهرستی که ردپای فیلسوفان و نظریه‌پردازان را در تک‌تک سوالات دنبال می‌کند.
۳. **واژه‌نامه‌ی تخصصی:** شرحی فشرده بر اصطلاحات کلیدی که کلید ورود به فهم صورت‌مسئله‌هاست.

### سخن پایانی

این کتاب، حاصل تلاش برای روشن نگاه داشتن چراغ حکمت در مسیر دشوار آزمون دکتری است. امید است مطالعه‌ی این اثر، که عصاره‌ی آخرین تحولات علمی آزمون است، شما را از «حافظ‌محوری» به سوی «تحلیل‌گری» رهنمون سازد و در این آزمون سرنوشت‌ساز، نردبانی برای صعود به بام موفقیت باشد.

توفیق رفیق راهتان باد.

حسین کفاشیان بیلندی

زمستان ۱۴۰۴

### جدول دقیق فراوانی موضوعی سوالات آزمون دکتری سال ۱۴۰۴

این جدول بر اساس تحلیل دقیق متن سوالات و پاسخنامه‌های تشریحی فایل ارسالی (۱۴۰۴) تدوین شده است.

ردیف	سرفصل و مبحث کلیدی	تعداد سوال و ارجاع	سهم از کل آزمون (درصد)	تحلیل وضعیت در سال ۱۴۰۴
۱	حکمت متعالیه (ملاصدرا)	۱۱۹	۴۷٪	محور اصلی و مطلق آزمون؛ تمرکز شدید بر «نفس»، «معاد جسمانی» و «حرکت جوهری».
۲	کلام اسلامی (سنتی و جدید)	۴۱	۱۶٪	رتبه دوم اهمیت؛ ترکیبی از مباحث امامت (سنتی) و رابطه علم و دین (جدید).
۳	منطق و مباحث عام	۶۳	۲۵.۵٪	شامل سوالات منطق صوری (برهان و موجهات) و مباحث مقدماتی فلسفه.
۴	حکمت مشاء (ابن سینا)	۱۵	۶٪	کاهش چشمگیر نسبت به سال‌های قبل؛ بیشتر جنبه تطبیقی داشته است.
۵	حکمت اشراق (سهروردی)	۱۴	۵.۵٪	تمرکز محدود بر مباحث «نور و ظلمت» و «مُثل».
کل	مجموع موارد بررسی شده	۲۵۲	۱۰۰٪	(شامل سوالات اصلی و نکات کلیدی پاسخنامه)

#### تحلیل کوتاه و کاربردی (ویژه سال ۱۴۰۴)

- سلطه ملاصدرا: همان‌طور که در جدول مشخص است، نزدیک به نیمی از آزمون (۴۷٪) مستقیماً به حکمت متعالیه اختصاص دارد. این نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۴، طراحان سوال تقریباً تمام تمرکز خود را روی کتاب اسفار (جلد ۸ و ۹) گذاشته‌اند.
- افت فلسفه مشاء: سهم فلسفه مشاء به حداقل رسیده (۶٪) که یک تغییر رویکرد جدی نسبت به دهه‌های گذشته است.
- اهمیت کلام و منطق: کلام و منطق مجموعاً بیش از ۴۰٪ آزمون را تشکیل می‌دهند که نشان‌دهنده اهمیت تفکر استدلالی در کنار مباحث صدرایی است.

کالبدشکافی آزمون دکتری ۱۴۰۴: نقطه عطف یا تداوم سنت؟  
تحلیل آماری و محتوایی بر جدیدترین دوره آزمون دکتری فلسفه و کلام اسلامی  
درآمد

آزمون دکتری سال ۱۴۰۴ را می‌توان «رادیکال‌ترین» آزمون در یک دهه اخیر دانست. بررسی موشکافانه ۲۵۲ فقره داده (شامل سوالات و نکات کلیدی پاسخنامه‌ها) در این سال، پرده از حقیقتی مهم برمی‌دارد: طراحان سوال از «سطح» عبور کرده و به «عمق» متون تخصصی پناه برده‌اند. اگر در سال‌های گذشته، آشنایی کلی با تاریخ فلسفه برای کسب درصد متوسط کافی بود، در آزمون ۱۴۰۴ این رویکرد محکوم به شکست است.

در ادامه، مختصات دقیق این آزمون را در چهار محور کلیدی تحلیل می‌کنیم:

۱. ظهور «امپراتوری ملاصدرا» (تمرکز ۴۷ درصدی)

مهم‌ترین پیام آزمون ۱۴۰۴، سلطه بلامنزاع حکمت متعالیه است. اختصاص نیمی از سوالات به آراء ملاصدرا یک پیام روشن دارد:

- تغییر زمین بازی: در ۱۴۰۴، تمرکز از مباحث عمومی (مانند اصالت وجود) به سمت مباحث پیچیده و دیرپاب «علم النفس» (جلد ۸ اسفار) و «معاد جسمانی» (جلد ۹ اسفار) تغییر کرده است.

- عمق سوالات: طراحان دقیقاً دست روی نقاطی گذاشته‌اند که چالش برانگیز است؛ مباحثی نظیر «نحوه ارتباط نفس و بدن»، «تکامل برزخی» و «تطبیق زمان و دهر».

۲. منطق؛ غربال‌گر اصلی (سهم ۲۵ درصدی)

در سال ۱۴۰۴، درس منطق نقش «پلیس آزمون» را بازی کرده است. با سهمی بیش از ۲۵ درصد، این درس دشوارتر و فنی‌تر شده است:

- دیگر خبری از سوالات ساده تعاریف نیست.
- تمرکز اصلی بر روی «مبحث موجهات» (Modalities) و پیچیدگی‌های «صناعات خمس (برهان)» است. داوطلبی که بر منطق صوری مسلط نباشد، عملاً شانس رقابت برای رتبه‌های تکریمی را در ۱۴۰۴ از دست داده است.

۳. افول نسبی «مشاء و اشراق»

یکی از شگفتی‌های آزمون ۱۴۰۴، کاهش چشمگیر سهم فلسفه مشاء (ابن‌سینا) و اشراق (سهروردی) است که مجموعاً به حدود ۱۱ درصد رسیده‌اند.

- به نظر می‌رسد طراحان، فلسفه مشاء را بیشتر به عنوان «مقدمه» یا «مبنای تطبیق» با حکمت متعالیه دیده‌اند تا یک موضوع مستقل.
- سوالات این بخش گزیده، سخت و متمرکز بر متون اصلی (الهیات شفا و حکمة‌الاشراق) بوده است.

۴. کلام اسلامی؛ پوست‌اندازی به سمت تحلیل

سهم ۱۶ درصدی کلام در سال ۱۴۰۴، با کیفیتی متفاوت ظاهر شده است. سوالات از حالت «حفظ عبارات عربی شرح تجرید» فاصله گرفته و به سمت:

- تحلیل عقلی گزاره‌های دینی
- و مباحث کلام جدید (رابطه علم و دین، زبان دین)

سوق پیدا کرده است.

جدول استراتژی مطالعه (ویژه داوطلبان آینده بر اساس ۱۴۰۴)

بر اساس الگوی سال ۱۴۰۴، سبد مطالعاتی پیشنهادی به شرح زیر است:

اولویت	منبع مطالعاتی	ضریب اهمیت در ۱۴۰۴	رویکرد مطالعه
۱	اسفار اربعه (جلد ۸ و ۹)	بسیار بالا	مطالعه خطبه خط مباحث نفس و معاد
۲	منطق (بخش برهان و موجهات)	بالا	حل تمرین و تست‌های فنی
۳	شواهد الربوبیه (مشهد سوم)	متوسط به بالا	تسلط بر مباحث خداشناسی و معاد
۴	کلام جدید (مسائل روز)	متوسط	مطالعه مفاهیمی مثل پلورالیسم و تجربه دینی

نتیجه‌گیری نهایی:

آزمون ۱۴۰۴ نشان داد که دوران «مطالعه اقیانوسی با عمق کم» به پایان رسیده است. داوطلب موفق کسی است که به جای خواندن ۱۰ کتاب متنوع، کتاب «اسفار» و «منطق پیشرفته» را ۱۰ بار بخواند و عمیق بفهمد.

دانش

# آزمون دکترای فلسفه و کلام اسلامی ۱۴۰۴

## فلسفه



۱. رابطه وجود و ماهیت در خارج چگونه است؟
  - (۱) وجود مقتضی ماهیت است.
  - (۲) متحد به نوعی از اتحاد هستند.
  - (۳) ماهیت مقتضی وجود است.
  - (۴) هر دو متحقق به امر سوم هستند.
۲. کدام مورد، نقد ملاصدرا نسبت به ادعای بهمنیار در باب «إن الوجود عرض» است؟
  - (۱) وجود نه جوهر است نه عرض
  - (۲) عروض واقعی وجود نسبت به ماهیت
  - (۳) عروض ذهنی وجود نسبت به ماهیت
  - (۴) عرض بودن وجود ممکن نسبت به ماهیت آن
۳. مراد از ملکوت اعلی، ملکوت اسفل، کتب عرشی و کتب لوحی در مسائل فلسفه به ترتیب کدام عوالم است؟
  - (۱) عقل، مثال، محو و اثبات، محو و اثبات
  - (۲) مثال، عقل، محو و اثبات، فوق محو و اثبات
  - (۳) فوق محو و اثبات، محو و اثبات، عقل، مثال
  - (۴) محو و اثبات، فوق محو و اثبات، مثال، عقل
۴. کدام یک از مبانی مشائیان، مقدمه تبیین حرکت جوهری نزد ملاصدرا واقع شده است؟
  - (۱) انکار حرکت جوهری
  - (۲) حرکت اشتدادی کیف
  - (۳) حرکت در کم و وضع
  - (۴) وحدت اتصالی مقوله در حال حرکت
۵. طبق نظر ملاصدرا منظور روایت «إن لله عبداً لیسوا بانبياء یُعِطُهُم النَّبِیُّونَ» کدام گزینه است؟
  - (۱) رسول
  - (۲) امام
  - (۳) ولی
  - (۴) شهید
۶. ملاصدرا کدام معنا از تناسخ را باطل می‌داند؟
  - (۱) مسخ صورت ظاهر بدون تغییر باطن
  - (۲) مسخ باطن و انقلاب ظاهر از صورت دنیوی به صورت اخروی
  - (۳) انتقال نفس از بدن به بدنی مابین و منفصل از او در این دنیا
  - (۴) انتقال نفس از بدن به بدن اخروی مناسب با آن چه در دنیا کسب کرده
۷. طبق نظر ملاصدرا کدام مرتبه از وجود صلاحیت دارد که «مبدأ الكل» باشد؟
  - (۱) وجود اثباتی انتزاعی که مشترک معنوی است.
  - (۲) وجود بسیط که شمول و انبساط آن به طریقه عموم و کلیت نیست.
  - (۳) وجود منبسط که شمول و انبساط آن به طریقه عموم و کلیت است.
  - (۴) وجودی که هیچ‌گونه تعلقی به غیر ندارد و مقید به هیچ قید خاصی نیست.
۸. پاسخ ملاصدرا به شبهه منکرین معاد جسمانی که «معاد اعاده معدوم است» کدام است؟
  - (۱) معاد تجدد احوال امر باقی است.
  - (۲) بدن اخروی موجود در قیامت به تعیین نفس است.
  - (۳) هیولی قوه قابل است و فی‌ذاته دارای مقدار نیست.
  - (۴) نفس انسانی دارای دو نوع تعلق است، تعلق به روح حیوانی و تعلق به اجزای جسمانی

۹. طبق نظر ملاصدرا آیه شریفه (و ما أمرنا إلا واحدة) دال بر کدام مطلب است؟  
 (۱) توحید افعالی  
 (۲) وحدت عالم عقل  
 (۳) عقل کل اشیاء است.  
 (۴) اشیاء همه از عقل هستند.
۱۰. طبق نظر ملاصدرا فرق بین اسما و صفات خدا در عرف عرفا چگونه است؟  
 (۱) فرق بین مشتق و ذات  
 (۲) فرق بین مرکب و بسیط  
 (۳) فرق بین جزء صوری و فصل  
 (۴) فرق بین جزء مادی و جنس
۱۱. طبق نظر حکما و تأیید ابن سینا نفس ناطقه چگونه شیء را تعقل می‌کند؟  
 (۱) با اتحاد با عقل فعال  
 (۲) با اتصال به عقل فعال  
 (۳) در اتحاد با عقل مستفاد  
 (۴) در اتصال به عقل مستفاد
۱۲. طبق نظر ابن سینا «کل جمله کل واحد منها معلول» مقتضی چگونه علتی است؟  
 (۱) کل آحاد  
 (۲) علت بعض آحاد  
 (۳) علت خارج از آحاد  
 (۴) مقتضی علت نیست
۱۳. سهروردی تحقق بحث اجساد و جمیع مواعد پیامبران را از طریق کدام عالم اثبات می‌نماید؟  
 (۱) انوار  
 (۲) افلاک  
 (۳) عقول  
 (۴) اشباح مجرد
۱۴. طبق نظر سهروردی، اتحاد بین انوار مجرد چگونه است؟  
 (۱) عقلی  
 (۲) تشکیکی  
 (۳) جرمی  
 (۴) ماهوی
۱۵. طبق نظر سهروردی، «نفوس کامل» بعد از مفارقت به کدام دسته ملحق می‌شوند؟  
 (۱) قواهر  
 (۲) افلاک  
 (۳) عالم اشباح  
 (۴) عالم مثل معلقه
۱۶. در حکمت اشراق نور حاصل از نور الانوار در نور مجرد چه نامیده می‌شود؟  
 (۱) رب النوع  
 (۲) نور قاهر  
 (۳) نور مدبر  
 (۴) نور سانج
۱۷. طبق نظر شیخ الرئیس، نسبت بین وجوب بالغیر و حدوث چیست؟  
 (۱) عموم و خصوص من وجه مصداقی  
 (۲) عموم و خصوص مطلق مصداقی  
 (۳) عموم و خصوص مطلق مفهومی  
 (۴) عموم و خصوص من وجه مفهومی
۱۸. مقصود خواجه نصیرالدین طوسی از عبارت «والعصمة تقتضی النصّ و سیرته» چیست؟  
 (۱) سیره رسول اکرم (ص) و نص او عصمت امام است.  
 (۲) شرط عصمت امام مقتضی نص و سیره رسول اکرم (ص) است.  
 (۳) شرط عصمت امام و سیره امام دلیل بر وجوب نص بر امام است.  
 (۴) شرط عصمت امام و سیره رسول اکرم (ص) دلیل بر وجوب نص بر امام است.
۱۹. آیه شریفه (و جحدوا بها و استیقنتها انفسهم)، بر چه مطلبی دلالت دارد؟  
 (۱) ایمان معرفت است.  
 (۲) ایمان تصدیق لسانی است.  
 (۳) ایمان فقط تصدیق قلبی است.  
 (۴) ایمان فقط تصدیق قلبی نیست.
۲۰. معنای قضا در آیه شریفه (ففضهن سبع سموات فی یومین)، کدام است؟  
 (۱) بیان  
 (۲) خلق و اتمام  
 (۳) اعلام و اخبار  
 (۴) حکم و ایجاب



## پاسخ تشریحی:

**عنوان سوال:** تبیین نحوه ارتباط وجود و ماهیت در عالم خارج بر اساس مبانی حکمت متعالیه

این سؤال به یکی از بنیادی‌ترین و محوری‌ترین مباحث فلسفه اسلامی، یعنی چگونگی نسبت میان «وجود» (هستی، Existence) و «ماهیت» (چیستی، Essence/Quiddity) در واقعیت خارجی و عینی می‌پردازد. فهم این رابطه، کلید درک بسیاری از مسائل دیگر در هستی‌شناسی (Ontology)، معرفت‌شناسی (Epistemology) و حتی الهیات بالمعنی الاخص است. سؤال در پی تعیین دیدگاه صحیح در مورد این رابطه، با توجه به تحولات فکری در تاریخ فلسفه اسلامی، به‌ویژه از منظر مکتب حکمت متعالیه ملاحظه ملاحظه است. بر اساس اصل «اصالت وجود» (Primacy of Existence) که سنگ بنای حکمت متعالیه صدرالدین شیرازی (ملاصدرا) است، آنچه در عالم خارج تحقق و واقعیت دارد، صرفاً «وجود» است. وجود، حقیقتی اصیل، عینی و منشأ تمام آثار است. در مقابل، «ماهیت» امری اعتباری و انتزاعی است که ذهن آن را از حدود و قیود وجودات خاص انتزاع می‌کند. ماهیت، بیانگر «چیستی» شیء است، اما این چیستی به‌خودی‌خود فاقد تحقق خارجی است و تنها در سایه وجود است که نمود می‌یابد.

بنابراین، در عالم خارج، ما با دو چیز مجزا به نام «وجود» و «ماهیت» که سپس با یکدیگر ترکیب یا ضمیمه شده باشند، روبرو نیستیم. بلکه تنها یک حقیقت واحد و بسیط خارجی وجود دارد که همان «وجود» خاص آن شیء است. این وجود خاص، به‌گونه‌ای است که ذهن می‌تواند از آن، مفهوم ماهوی معینی را انتزاع کند. برای مثال، وجود خارجی «این میز خاص» یک حقیقت واحد است. ذهن ما با تحلیل این حقیقت واحد، دو مفهوم را از آن انتزاع می‌کند: یکی مفهوم «وجود» یا «هستی» (که این میز، هست) و دیگری مفهوم «ماهیت میز» یا «میز بودن» (که این هستی، هستی یک میز است نه صندلی).

رابطه وجود و ماهیت در خارج، از نوع «اتحاد» (Union/Identity) است، اما نه اتحاد دو امر مستقل و متمایز (مانند اتحاد آب و شکر در محلول)، بلکه اتحادی از نوع «هُوَ هُوَ» (ittihad huwahuwi) یا «عینیت» (identity) است. یعنی وجود خارجی شیء، عین ماهیت آن به‌حمل شایع صناعی است (به این معنا که مصداق خارجی وجود، همان مصداق خارجی ماهیت است، هر چند مفهوم آن دو متفاوت است). ماهیت، حد وجود است و از وجود جدا نیست. وجود، حقیقت دربرگیرنده است و ماهیت، قالب یا تعیین مفهومی آن حقیقت در ذهن ماست. این نوع اتحاد را می‌توان «اتحاد وجودی» یا «اتحاد مصداقی» نامید، در مقابل «ترکیب انضمامی» (compositional combination) که مستلزم وجود دو جزء مستقل پیش از ترکیب است و در مورد وجود و ماهیت صادق نیست.

به تعبیر دقیق‌تر فلاسفه صدرایی، ماهیت، «نحوه وجود» (mode of existence) وجود خاص است. هر وجودی در خارج، ضرورتاً با حدی و تعینی همراه است که ذهن از آن، ماهیت را انتزاع می‌کند. پس وجود و ماهیت در مصداق خارجی یکی هستند و تمایز آن‌ها صرفاً در تحلیل ذهنی (اعتبار عقلی mental consideration -) است.

گزینه دوم، «متحد به نوعی از اتحاد هستند»، دقیق‌ترین بیان برای توصیف رابطه وجود و ماهیت در عالم خارج، از منظر حکمت متعالیه و اصل اصالت وجود است. این اتحاد، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد:

۱. **عدم دوگانگی خارجی:** در خارج، فقط یک «موجود» (existent) داریم، نه یک «وجود» و یک «ماهیت» که به هم پیوسته‌اند. وجود، اصل مَحَقَّق (actualized principle) و ماهیت، حد مفهومی (conceptual limit) آن است که ذهن آن را لحاظ می‌کند.
۲. **نوع اتحاد: اتحاد هُوَ هُوَ یا عینیت مصداقی:** این اتحاد به معنای آن است که آنچه در خارج مصداق وجود است، دقیقاً همان چیزی است که مصداق ماهیت است. مثلاً، آن واقعیت خارجی که مصداق «وجود این کتاب» است، همان واقعیت خارجی است که مصداق «کتاب بودن این شیء» است. این با اتحاد دو جزء متفاوت (مانند جسم و صورت در فلسفه مشاء) یا اتحاد عرض با موضوع (مانند سفیدی با دیوار) فرق دارد. در اینجا، وجود عین ماهیت موجود در خارج است، نه چیزی عارض بر آن یا جزئی از آن.
۳. **نقش ذهن:** تمایز میان وجود و ماهیت، محصول تحلیل و اعتبار ذهن است. ذهن برای شناخت واقعیت خارجی، آن را به دو حیثیت «بودن» (existence) و «چیستن» (essence) تحلیل می‌کند، اما این تحلیل به معنای وجود دو امر جداگانه در خارج نیست.



۴. **نفی ترکیب:** این اتحاد، ترکیب انضمامی (که مستلزم دو جزء مستقل پیشینی است) یا ترکیب اتحادی مصطلح (مانند ترکیب ماده و صورت که اجزاء بالقوه هستند) نیست. بلکه یک نوع وحدت و بساطت در عین کثرت مفهومی است.

این گزینه با پذیرش «اتحاد» به جای «ترکیب» یا «اقتضاء یک‌طرفه»، به درستی به یگانگی مصداقی وجود و ماهیت در خارج اشاره دارد. قید «به نوعی از اتحاد» نیز هوشمندانه است، زیرا تصریح می‌کند که این اتحاد، از انواع متعارف ترکیب یا انضمام نیست، بلکه اتحادی خاص (هُوَ هُوَ) است که در آن، یکی (وجود) اصل و دیگری (ماهیت) اعتبار ذهنی از حد آن اصل است.

• **تفسیر:** این دیدگاه، ریشه در تفکیک اولیه ابن‌سینا میان وجود و ماهیت دارد، اما با طرح اصالت وجود توسط ملاصدرا به اوج خود می‌رسد. ابن‌سینا وجود را امری عارض بر ماهیت می‌دانست (هرچند در مورد اصالت وجود یا ماهیت نزد او اختلاف است)، اما ملاصدرا با قاطعیت وجود را اصل و ماهیت را اعتباری معرفی کرد. این اتحاد، لازمه منطقی اصالت وجود است؛ اگر وجود اصل است، پس ماهیت نمی‌تواند امری مستقل و در عرض وجود باشد، بلکه باید نحوه یا حدی از آن وجود تلقی شود.

○ **نقاط قوت:** این نظریه به خوبی می‌تواند تبیین کند که چگونه اشیاء خارجی، هم «هستند» و هم «چیزی» هستند، بدون اینکه نیازمند فرض دوگانگی واقعی در خارج باشیم. همچنین، این دیدگاه پایه مناسبی برای نظریات دیگر حکمت متعالیه مانند «تشکیک وجود» (Gradation of Being) و «حرکت جوهری» (Substantial Motion) فراهم می‌کند. اگر وجود اصل باشد، می‌تواند شدت و ضعف بپذیرد (تشکیک) و در ذات خود حرکت کند (حرکت جوهری).

○ **چالش‌ها:** منتقدان (به‌ویژه طرفداران اصالت ماهیت یا کسانی که به تفکیک ریشه‌ای‌تر معتقدند) ممکن است بگویند که اعتباری دانستن ماهیت، نقش آن در تعیین بخشیدن به اشیاء و ایجاد کثرت در جهان را کم‌رنگ می‌کند. چگونه مفاهیم ماهوی که این همه در علوم و شناخت ما نقش دارند، صرفاً اعتباری باشند؟ پاسخ حکمت متعالیه آن است که «اعتباری» بودن به معنای «وهمی» یا «بی‌اثر» بودن نیست، بلکه به معنای نداشتن تحقق مستقل از وجود است؛ ماهیت از وجود انتزاع می‌شود و منشأ انتزاع معتبری در خارج دارد (حدود وجود). همچنین، فهم دقیق این «اتحاد هُوَ هُوَ» و تمایز آن از عینیت مطلق، نیازمند دقت فلسفی بالایی است.

**دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:**

• **گزینه ۱: وجود مقتضی ماهیت است:**

○ **عدم دقت:** واژه «مقتضی» (necessitates) معمولاً بار علی یا لزومی دارد. در حالی که طبق اصالت وجود، وجود، اصل واقعیت است و ماهیت حد آن است. وجود، علت ایجاد ماهیت به عنوان یک امر مستقل نیست. بلکه وجود، در تحقق خود، ناگزیر محدود به حدی است که ماهیت نامیده می‌شود. رابطه، بیش از اقتضاء، نوعی عینیت و همراهی ضروری در مقام تحقق است. وجود، ماهیت را «یجاب» نمی‌کند به این معنا که آن را به عنوان امری جداگانه پدید آورد؛ بلکه وجود، همان ماهیت موجود در خارج است.

• **گزینه ۳: ماهیت مقتضی وجود است:**

○ **مخالفت با اصالت وجود:** این گزینه بیانگر دیدگاه «اصالت ماهیت» است. بر این اساس، ماهیات حقایق اصلی هستند و وجود امری اعتباری یا صفتی است که به ماهیات ممکن، تعلق می‌گیرد (یا توسط واجب‌الوجود اعطا می‌شود). این دیدگاه، دقیقاً نقطه مقابل نظر حکمت متعالیه و ملاصدرا است. اشکالات عمده‌ای که بر اصالت ماهیت وارد شده (مانند چگونگی تمایز ماهیت موجود از ماهیت معدوم صرفاً با ضمیمه شدن یک امر اعتباری به نام وجود، و عدم توانایی تبیین تشکیک و حرکت جوهری) باعث رد این گزینه از منظر حکمت متعالیه می‌شود. ماهیت فی‌نفسه (per se) امری است که نسبت به وجود و عدم لاقتضاست (ممکن‌الوجود) و نمی‌تواند خود، مقتضی وجود باشد.

• **گزینه ۴: هر دو متحقق به امر سوم هستند:**

○ **عدم تناسب با بحث:** این گزینه، رابطه مستقیم وجود و ماهیت با یکدیگر را نادیده می‌گیرد و هر دو را معلول یا نیازمند یک عامل سوم برای تحقق می‌داند. در حالی که در فلسفه اسلامی، «وجود» در ممکنات، عین ربط و وابستگی به واجب‌الوجود (علت سوم، خداوند) است، اما «ماهیت» فی‌نفسه نیازمند تحقق نیست، بلکه امری اعتباری است که از وجود متحقق انتزاع می‌شود. وجود، تحقق را از علت می‌گیرد، اما ماهیت، «تحقق» به معنای هستی‌یابی مستقل ندارد، بلکه صرفاً حد آن وجود متحقق است.



این گزینه، ساختار رابطه وجود و ماهیت و نقش متفاوت آن‌ها را به‌درستی درک نکرده و تحلیل را به سطح وابستگی هر دو به خالق تقلیل می‌دهد، بدون آنکه نسبت درونی خودشان را روشن سازد.

منابع:

۱. کتاب *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة ملاصدرا*: به ویژه جلد اول و مباحث مربوط به وجود و ماهیت.
۲. کتاب *المشاعر و الشواهد الربوبیة ملاصدرا*: که به صورت فشرده‌تر مباحث وجودشناسی را مطرح می‌کنند.
۳. کتاب‌های درسی استاندارد:
  - *بداية الحکمة و نهاية الحکمة* اثر علامه سید محمدحسین طباطبایی: این دو کتاب از متون درسی رایج و مهم در فلسفه اسلامی هستند و به تفصیل به بحث وجود و ماهیت می‌پردازند.
  - شرح این دو کتاب، به‌ویژه شرح استاد مرتضی مطهری (مانند شرح مبسوط منظومه که مباحث مشابهی دارد) و آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی (مانند آموزش فلسفه).
۲. آثار استاد مرتضی مطهری: مانند مقدمه‌ای بر حکمت اسلامی، درس‌های الهیات شفاء، و مقالات ایشان در این زمینه.
۳. آثار آیت‌الله جوادی آملی: به‌ویژه کتاب *رحیق مختوم* (شرح اسفار).

گزینه ۳) ۲.

پاسخ تشریحی:

عنوان سوال: تحلیل انتقادی ملاصدرا از نگرش بهمنیار در باب عرضیت وجود

این سؤال به یکی از مباحث بنیادین و چالشی در تاریخ فلسفه اسلامی، یعنی نسبت میان وجود و ماهیت، می‌پردازد. به طور خاص، سؤال بر نقد صدر المتألهین (ملاصدرا) بر دیدگاه منسوب به بهمنیار بن مرزبان، فیلسوف برجسته مشائی پس از ابن‌سینا، تمرکز دارد. بهمنیار (یا جریان فکری که این دیدگاه به او نسبت داده می‌شود) معتقد بود که وجود، امری عارض بر ماهیت است («إنَّ الوجود عرض»). منظور سؤال، شناسایی دقیق‌ترین تبیین از موضع انتقادی ملاصدرا در برابر این ادعا است. فهم این نقد مستلزم درک عمیق مبانی فلسفی ملاصدرا، به‌ویژه نظریه «اصالت وجود» و تمایز میان «عروض ذهنی» و «عروض واقعی» است.

ملاصدرا، بنیان‌گذار حکمت متعالیه، بر اساس اصل محوری «اصالت وجود» (Asalat al-Wujud / Primacy of Existence)، معتقد است که آنچه در عالم خارج تحقق و واقعیت دارد، همانا «وجود» است و ماهیت‌ها صرفاً حدود و تعینات وجود یا مفاهیمی انتزاعی هستند که ذهن از مراتب مختلف وجود انتزاع می‌کند. از این منظر، وجود نمی‌تواند همچون یک «عرض» (Accident / 'Arad) واقعی باشد که بر ماهیتی که خود امری اعتباری و ذهنی است، عارض شود.

نقد اصلی ملاصدرا به ادعای «إنَّ الوجود عرض» (وجود عرض است) که به بهمنیار نسبت داده می‌شود، این است که این نگرش، ناشی از خلط میان تحلیل ذهنی و واقعیت خارجی است. ملاصدرا تبیین می‌کند که وقتی ما در ذهن، قضیه‌ای مانند «انسان موجود است» تشکیل می‌دهیم، مفهوم «وجود» را به مفهوم «انسان» (که بیانگر ماهیت است) حمل می‌کنیم. این حمل و اسناد در ساختار منطقی و ذهنی جمله، شبیه به حمل یک عرض (مانند سفیدی) بر یک موضوع (مانند جسم) است. اما این شباهت صرفاً در تحلیل ذهنی (Mental Analysis) و در نحوه حمل در قضایای حملیه است.

ملاصدرا این نوع عروض را «عروض ذهنی» یا «عروض تحلیلی» (Mental Inherence / 'Urud Dhihni) می‌نامد. یعنی وجود در ذهن و در مقام تحلیل مفهومی، بر ماهیت عارض می‌شود یا به آن اسناد داده می‌شود. اما این عروض ذهنی به معنای آن نیست که در عالم خارج (External Reality)، وجود حقیقتاً یک عرض باشد که بر جوهری به نام ماهیت، عارض شده باشد. زیرا طبق اصالت وجود، ماهیت در خارج، اصلتی ندارد که وجود بخواهد بر آن عارض شود. وجود، خود اصل واقعیت است و ماهیت صرفاً نمایانگر حد و چگونگی آن واقعیت در ذهن ماست.

بنابراین، نقد ملاصدرا این است که بهمنیار (یا قائلین به این نظر) بین عروض ذهنی (که صحیح است و در تحلیل‌های منطقی رخ می‌دهد) و عروض خارجی و واقعی (که مستلزم اصالت ماهیت و عرض بودن واقعی وجود است و از نظر ملاصدرا باطل است) خلط کرده‌اند. ادعای «إنَّ الوجود عرض» صرفاً بیانگر جنبه عروض ذهنی است و نمی‌توان آن را به معنای عرض بودن حقیقی وجود در عالم خارج دانست.

گزینه ۳ به دقت لبّ نقد ملاصدرا را بیان می‌کند. ملاصدرا نمی‌پذیرد که وجود در عالم خارج، عارض بر ماهیت باشد (رد عروض واقعی). اما می‌پذیرد که در تحلیل ذهنی و در ساختار قضایا، مفهوم وجود بر مفهوم ماهیت حمل می‌شود و این حمل، شبیه حمل عرض بر موضوع است.

این همان «عروض ذهنی» است. پس نقد ملاصدرا به بهمنیار این است که آنچه او «عرض بودن وجود» می‌نامد، چیزی جز همین عروض ذهنی و تحلیلی نیست و نباید آن را به معنای عروض واقعی در خارج تلقی کرد. این نقد ملاصدرا یکی از نقاط عطف در تاریخ فلسفه اسلامی و نشان‌دهنده عمق نگاه او به مسئله وجود و ماهیت است. او با تفکیک میان ساحت ذهن و خارج، و با ابداع یا برجسته‌سازی مفهوم «عروض ذهنی» در مقابل «عروض واقعی»، توانست راهی برای فهم نسبت وجود و ماهیت ارائه دهد که هم با تحلیل‌های منطقی سازگار باشد و هم اساس فلسفه خود (اصالت وجود) را تحکیم بخشد. این دیدگاه نشان می‌دهد که چگونه تحلیل‌های زبانی و منطقی می‌توانند گاهی منجر به تصورات نادرستی درباره ساختار واقعیت شوند، مگر اینکه با دقت متافیزیکی لازم همراه گردند. ملاصدرا با این نقد، جایگاه وجود را از یک مفهوم محمول و عرضی (در نگاه برخی) به اصل اصیل واقعیت ارتقا داد.

#### دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱ (وجود نه جوهر است نه عرض): اگرچه این گزاره فی‌نفسه از دیدگاه ملاصدرا صحیح است (وجود مقوله‌ای جدا و فوق مقولات جوهر و عرض است و اصل واقعیت است)، اما این عبارت، نقد خاص ملاصدرا به ادعای بهمنیار مبنی بر «عرض بودن» وجود نیست. نقد ملاصدرا بر بهمنیار، ناظر به تحلیل چرایی این تلقی اشتباه (یعنی خلط عروض ذهنی و واقعی) است، نه صرفاً بیان یک گزاره کلی درباره جایگاه وجود. گزینه ۳ به طور مستقیم به تحلیل ملاصدرا از منشأ خطای بهمنیار می‌پردازد.
- گزینه ۲ (عروض واقعی وجود نسبت به ماهیت): این گزینه دقیقاً نقطه مقابل دیدگاه ملاصدرا و نزدیک به همان چیزی است که ملاصدرا آن را رد می‌کند. اگر وجود واقعاً بر ماهیت عارض شود، این مستلزم اصالت ماهیت است که ملاصدرا با آن مخالف است. این گزینه نه تنها نقد ملاصدرا نیست، بلکه موضعی است که ملاصدرا علیه آن استدلال می‌کند.
- گزینه ۴ (عرض بودن وجود ممکن نسبت به ماهیت آن): این گزینه تلاش می‌کند با تخصیص به «وجود ممکن»، مسئله را تعدیل کند. اما نقد ملاصدرا بنیادی‌تر از این است. از نظر او، نه تنها وجود واجب، بلکه هیچ وجودی (اعم از واجب و ممکن) در عالم خارج عرض واقعی برای ماهیت نیست. نسبت وجود ممکن به ماهیتش نیز از منظر اصالت وجود، به این صورت است که ماهیت، حد آن وجود ممکن است، نه جوهری که وجود بر آن عارض شود. تحلیل حمل وجود بر ماهیت ممکن نیز همچنان در قلمرو «عروض ذهنی» قرار می‌گیرد، نه عروض واقعی خارجی. لذا این گزینه نیز نقد دقیق ملاصدرا بر بهمنیار را نمایندگی نمی‌کند.

#### منابع:

۱. *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة (اسفار اربعه) ملاصدرا*: به ویژه مباحث مربوط به وجود و ماهیت در جلد اول و دوم، و نقدهایی که بر فلاسفه پیشین از جمله مشائیان وارد کرده است.
۲. *الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة ملاصدرا*: این کتاب نیز حاوی مباحث عمیق وجودشناسی و نقدهای ملاصدرا است.
۳. *شرح المنظومه حکیم ملاحادی سبزواری*: بخش حکمت (غرر الفرائد) که به تبیین و شرح حکمت متعالیه می‌پردازد و این بحث را پوشش می‌دهد.
۴. *آثار و شروح علامه طباطبایی*: به خصوص کتاب «بداية الحکمة» و «نهاية الحکمة» و تعلیقات ایشان بر اسفار. این دو کتاب درسی، به شکل منظم و آموزشی، مبانی حکمت متعالیه از جمله این بحث را مطرح کرده‌اند.
۵. *آثار استاد شهید مرتضی مطهری*: مانند «شرح مبسوط منظومه»، «درس‌های اسفار» و مقالات ایشان درباره اصالت وجود که به خوبی این مباحث را تبیین کرده‌اند.
۶. *آثار و شروح استاد سید جلال‌الدین آشتیانی*: ایشان شروح و تعلیقات متعددی بر آثار ملاصدرا و متون حکمت متعالیه دارند که این بحث در آنها به تفصیل مطرح شده است.